

The background features several large, expressive green brushstrokes that sweep across the right side of the image. These strokes vary in intensity from dark forest green to a lighter, almost white-green, creating a sense of movement and depth. A thin black rectangular frame is positioned behind the text, partially overlapping the brushstrokes.

نکته‌هایی برای فکرکردن

از فرمایشات امیر المومنین علي عليه السلام

نکته‌هایی برای فکر کردن

جسارت نوشتن از تفکر و تعقل را امام‌مان، علی (ع) فراهم کردند که فرمودند: «وَأُمِّرَ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ: امر به نیکی‌ها کن تا در زمره نیکوکاران درآیی.» بارها شنیده‌ایم: «درست فکر کن، طرز فکرت را عوض کن، درست بفهم». اما کمتر شنیده‌ایم که چگونه فکر کنیم تا دریافت‌ها و تأثیرات بهتری داشته باشیم.

این مجموعه نمونه‌ای است از مهارت‌های تفکر، با نکته‌های کوتاهی که می‌تواند به شما کمک کند تا در حل مسائل و مشکلات خود مهارت پیدا کنید، از اشتباه در برداشت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایتان پیش‌گیری کنید، غصه‌ها و عصبانیت‌هایتان را کاهش دهید، به جای مقایسه کردن و درگیر شدن با این و آن، افراد و موقعیت‌ها را همان‌گونه که هستند بپذیرید، خود آگاهی همراه با وسعت در افق دید پیدا کنید، تعقل و تفکر خود را به سطوح بالاتری برسانید و با توجه و تمرین در مهارت‌های تفکر به زندگی بهتر و موفق‌تری برسید. این موفقیت‌ها حاصل نمی‌شوند مگر اینکه:

۱. این مطالب را مثل کتاب‌های دیگر، پشت هم مطالعه نکنید؛ بلکه هر بار تا مدتی بر یک نکته تأمل داشته باشید.
۲. برای اینکه موضوعات را بهتر درک کنید، برای خود مثال‌های بیشتری بزنید.
۳. هر نکته‌ای که مطالعه می‌کنید، نمونه‌های آن را در زندگی خود بیابید و به آن نکات جامه عمل بپوشانید.

من کان فی نفسہ

من حافظ
کان علیہ

مسئول اعمال و سرنوشت انسان چه کسی است؟

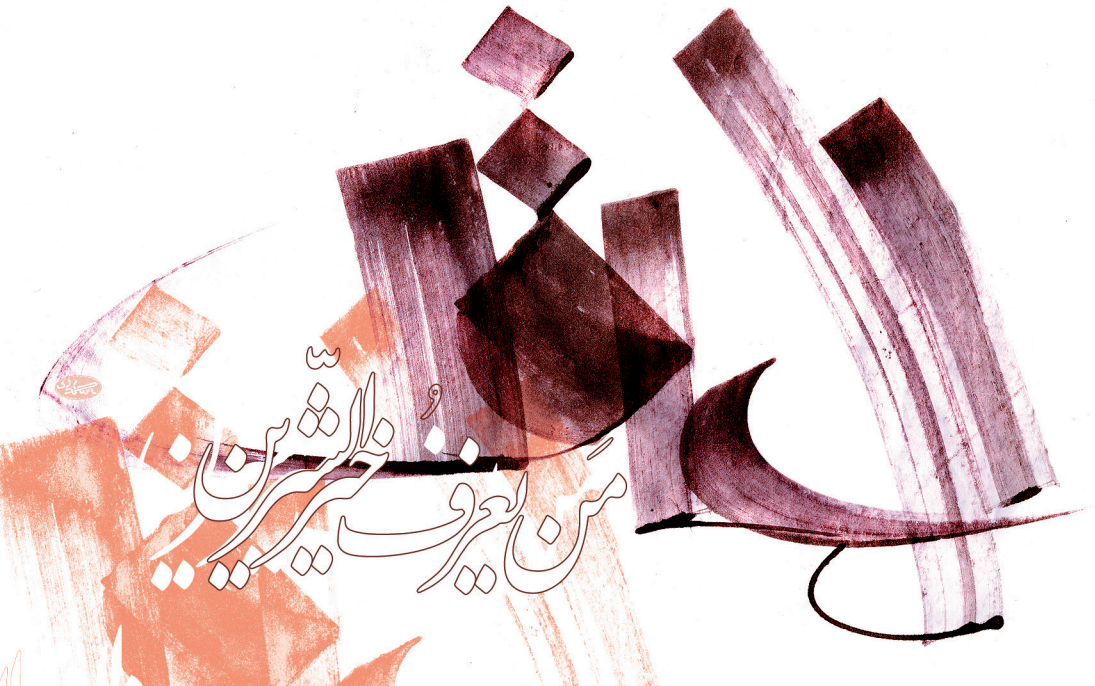
مَنْ كَانَ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَاِعْظُ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ.

هر که واعظی درونی داشته باشد، او را از جانب خداوند نگهبانی است. امیرالمؤمنین (ع)

برخی از مردم برای فرار از مسئولیت و توجیه غفلت و تخلف خودشان و گاه تحت تأثیر القانات غلط روانشناسی، رفتارهای خود را به عواملی چون خدا، ارث، محیط، سرنوشت، جبر تاریخ، شانس، آباء و اجداد، شیطان و ... نسبت می‌دهند و خودشان را از هر کوتاهی و تخلف و گناهی تبرئه می‌کنند. می‌پندارند هر رحمت و نعمت خداوند، بخشی است که آنها مسئولیتی در قبالش ندارند و در دعاهایشان، طلبکارانه با خدا سخن می‌گویند.

اما در دعای زیبای کمیل، امیرالمؤمنین (ع)، با جملاتی از قبیل :

أَذْنَبْتُه (گناه کردم)، أَخْطَأْتُهَا (اشتباه کردم)، ظَلَمْتُ نَفْسِي (به خود ستم کردم)، تَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي (جهالت)، مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي (پنهانکاری)، دَوَامَ تَفْرِيطِي وَ جَهَالَتِي (افراط و تفریط)، كَثْرَةَ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي (شهوَت و غفلت)، اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي (پیروی نفس)، لَمْ أَحْتَسِرْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي (از وسوسه های دشمن نگریختم)، تَجَاوَزْتُ بَعْضَ حُدُودِكَ (احکام تو را شکستم) خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ (مخالفت امر)، إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي (زیاده‌روی)، مُعْتَدِرًا نَادِمًا (عذرخواه و پشیمانم)، مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا (به غفلت و تخلفات و گناهانم معترفم و تقاضای آمرزش دارم)، گوینده دعا را به قبول مسئولیت در برابر همه موقعیت‌های خویش وادار می‌کند و ضرورت مراقبت از خود را به او تفهیم نموده و می‌آموزد که غفلت و تخلف و گناهانش را به خودش نسبت دهد و به گردن دیگران نیندازد.



بد یا بدتر، خوب یا خوب‌تر

لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينَ.
عاقل کسی نیست که تفاوت خوب و بد را بفهمد، بلکه عاقل کسی است که بین دو شرّ آنکه بهتر است را شناسایی می‌کند.

تفاوت خوب و بد را همه می‌فهمند؛ مهم آن است که بین بد و بدتر یا خوب و خوب‌تر کدام را انتخاب کنیم؟
- «درسته که همسر آدم این طوری حرف بزنه؟ درسته که این طوری لباس بپوشه؟ درسته که برای من این طور خرج کنه و برای خانواده‌اش آن طور؟ این هم شد زندگی؟ این رفتارها منطقی است؟ حالا حق دارم طلاق بگیرم؟»
این حرف‌ها یعنی بد را می‌فهمد اما بدتر را نمی‌فهمد. غیر منطقی بودن رفتار دیگران را می‌فهمد اما منطق نداشتن خود را نمی‌فهمد. به این ترتیب بد را می‌دهد و بدتر را می‌گیرد و به مشکلات طلاق که هزار بار از این مشکلات بدتر است، فکر نمی‌کند. نمی‌داند که زندگی از هر نوعش برای هر مجرد و متأهل، مشکلاتی دارد. نمی‌داند و نمی‌دانیم که باید آسیب‌پذیری‌مان را کم کنیم و توانمان را برای ساختن زندگی بیشتر.

همچنین است وقتی بسیاری از خوبی‌ها را انجام می‌دهیم در حالی که از خوبی‌های بزرگتری جامانده‌ایم.

- «چرا اینقدر کلاس و درس و برنامه برای خودت چیده‌ای؟»

- «چون درس خواندن کار خوبی است.»

تشکیل خانواده و همراهی و لذت بردن از زندگی در کنار همسر و فرزند کار بهتری نیست؟

پیامبر خردمند و گرامی اسلام فرمودند: «ای اباذر، همنشین خوب بهتر از تنهایی و تنهایی بهتر از همنشین بد است. سخن گفتن خیر

بهتر از خاموشی و خاموشی بهتر از گفتار شرّ است.»

عنتي و اللام

البر

چشم بینا و گوش شنوا

ما اکثر العبر و اقل الاعتبار.

عبرت‌ها چقدر فراوانند و عبرت‌پذیری‌ها کم. امیرالمؤمنین (ع)

وقتی می‌گوییم: «دلم درد می‌کند...» می‌پرسند: «چه خوردی؟» یعنی هر ورودی عوارض خودش را دارد. اگر ورودی‌های ساختار انسان، از طریق حواس او حاصل می‌شوند، پس مهم است که چه غذای روحی دریافت کرده‌ایم. چه را دیده و شنیده، چگونه دیده و شنیده، و چه‌ها را ندیده و نشنیده‌ایم تا جا برای بهترین‌ها باز باشد؟

خوب دیدن و خوبی‌ها را پیدا کردن؛ یعنی خود و فرزندان‌مان را به بهتر دیدن اطراف و درس گرفتن از دیدنی‌ها تمرین دهیم. خداوند هیچ پدیده‌ای را نیافریده که در آن درسی برای آموختن نباشد. یکی از پایه‌های تعقل، علم است و با شنیدن و دیدن و تجربه کردن، علم فراوانی به‌دست می‌آید؛ مثلاً در سفر می‌توان با دقت در اطراف، فهم جدیدی را حاصل کرد.

به نظر شما از ساده‌ترین موضوعات اطراف چه درسی می‌توان گرفت؟ آیا از کودکان می‌توان آموخت؟ آیا پیام یک مشکل را می‌توان شنید؟ از دیدن آدم‌های راضی و ناراضی و شنیدن حرف‌هایشان، چه مسئله‌ای را می‌توان درک کرد؟ نوع دیدن و شنیدن‌شان با هم تفاوتی دارد؟ می‌توان از زشتی رفتارکسی متوجه نکات زیبایی شد؟ آیا می‌توان از ساده‌نگری و ظاهر‌بینی خارج شد و باطن امور دنیا را دید؟

امام موسی کاظم (ع) فرمودند: «مَا مِنْ شَيْءٍ تَرَاهُ عَيْنَاكَ إِلَّا وَفِيهِ مَوْعِظَةٌ: چیزی نیست که چشمانت آن را بنگرد، مگر آن که در آن پند و اندرز است.» می‌شود گویی داشت که به‌جای نیمه شنیدن و جواب گفتن و جواب گفتن، به دنبال شنیدن و شنیدن و فهمیدن باشد؟ گویی که بسیار بشنود، از آنچه همه نمی‌شنوند؟

الحقول
الابن

تجلى
بجلى امره

الحقول
الابن

الحقول

مهم چیست؛ مهم‌تر کدام است؟

بِحُسْنِ الْعَمَلِ تُجْتَنَى ثَمَرَةُ الْعِلْمِ لَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ

میوه علم به حسن عمل چیده می‌شود، نه به خوبی گفتار . امیرالمؤمنین (ع)

انتظاری که از مادرمان داریم مهم است، اما حرمت و آرامش مادر مهم‌تر است. یک وسیله مهم است، اما انسان از وسیله مهم‌تر است. دل‌سوزی برای فرزندم مهم است، اما سلب نکردن آزادی و ابتکار عملش مهم‌تر است. شاد بودن مهم است، اما گناه نکردن مهم‌تر است.

پول داشتن مهم است، اما حلال بودن آن مهم‌تر است. امکانات زندگی مهم‌اند، اما زندگی و خانواده مهم‌ترند. رضایت مردم مهم است، اما رضایت خداوند مهم‌تر است. خوب حرف زدن مهم است، اما خوب عمل کردن مهم‌تر است. فرزندمان را مدرسه‌ای عالی ثبت نام کنیم، مهم است. اما وقتی یکی مخالف است، لازم نیست جنگ و جهاد برپا کنیم، اینکه بچه پدر و مادری آرام بالای سرش باشند، مهم‌تر است.

این را همه می‌فهمند که «بدی نکردن از خوبی کردن مهم‌تر است» اما یکی را می‌بینی بدون اینکه فکر کند، به خاطر یک لباس، یک قطعه طلا، یک وام، یک علاقه یا حتی یک کار خوب، بسیاری امور مهم‌تر را فدا کرده‌است. یکی را می‌بینی که به خاطر دل‌سوزی و کمک به این و آن، خانواده خودش را از دست داده است. می‌توانیم مهمی را از دست بدهیم تا مهم‌تری را حفظ کنیم.





مراقب باش ضرر نکنی!

إِنَّ مَنْ طَلَبَ الْعِبَادَةَ تَزَكَّى لَهَا.

هر کس که طالب عبادت است خود را برای آن [از هر گناهی] پاکیزه سازد.

سوره مبارکه عصر به ما می‌گوید که فرصت کم است و ما در معرض زیان؛ مگر اینکه اهل ایمان درست و اعمال خوب باشیم. شیطان با زبان خودمان شروع می‌کند به کارشکنی. گاهی می‌گوید ریامی شود. گاهی می‌گوید اینکه وظیفه ما نیست؛ دولت، مسئولین، جامعه، مردم، بزرگ‌ترها. گاهی می‌گوید باید کارهای بزرگ‌تر و مهم‌تری انجام بدهی و این‌گونه کارها وقتت را تلف می‌کند. گاهی آن‌قدر ناامیدت می‌کند که نتوانی از جا حرکت کنی. هر بار که صدایش آمد، بپندازش بیرون و بگو: «ویز ویز اکیداً ممنوع!»

می‌شود در حد فرصت و توان، خیری را از دست نداد.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «هیچ کار خیری را دست‌کم نگیر؛ اگرچه کاری مانند گشاده‌رو برخورد کردن با برادرت باشد.» همچنین فرمودند: «برای هر کار، نیت خیری کن؛ حتی خوابیدن و خوردن.»

پس عاقل آن است که دست خالی آمده، دست پر برگردد. سالم آمده، سالم برگردد. هیچ دستور شرعی نداریم که جان ما را به دنیا گره بزند. فرصت خیلی کم است و انسان در معرض زیان؛ مگر این که ایمان درست و کارهای شایسته داشته باشد. بسیار نیازمند انجام کارهای خوب هستیم؛ کارهای خوب و بدون فساد.

بهتر نیست برای هر کار خیری شتاب کنیم و از ساده‌ترین و دم‌دست‌ترین کارها تا اثربخش‌ترین و ماندگارترین آنها سهمی داشته باشیم؟

مانت علی شہوت

سین



دوستی با خودم، دوستی با مردم

من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته

هر که خود را ارزشمند بداند، شهوات و هوس‌هایش نزد او کوچک می‌شوند. امیرالمؤمنین(ع)

چگونه خودم را دوست داشته باشم؛ وقتی از خودم راضی نیستم. وقتی کارهایی می‌کنم که درست نیست. وقتی زیاد می‌خواهم و وقت تلف می‌کنم و اهل علم و پیشرفت نیستم و خیلی‌ها از من بهتر و موفق‌ترند؟ چطور می‌توانم ناراحت نشوم؟ اگر یاد بگیریم که مشکل خود را به صورت یک سؤال مشخص، شفاف کنیم و با خود گفتگو داشته باشیم، ریشه حسادت‌ها، عصبانیت‌ها و پریشانی‌هایمان پیدا می‌شود. آن وقت در ادامه به خود می‌گوییم اگر چه به تنبلی عادت کرده‌ام اما نمی‌شود یک روز، فقط یک روز، آن طوری رفتار کنم که درست‌تر است؟ شاید روز خوبی شد و دوست داشتم که باز ادامه بدهم. اگر از خودمان دل‌زده می‌شویم علتش این است که خیلی از کارها و صفات خوب خود را به حساب نمی‌آوریم و از سوی دیگر کارهای خوبی هستند که می‌توانیم انجام دهیم و نمی‌دهیم. باید هر روز بگوییم: «من با خودم دوستم!»

این چنین می‌شود که به جای آرزوی توقف دیگران، خود را به جلو حرکت می‌دهیم. وقتی با خودت دوست شدی، احساس می‌کنی که مشکلات با خانواده و مردم چه ساده و قابل بخشش‌اند. دیگران هم ممکن است اشتباه کنند. آدم‌ها نیاز به محبت و توجه دارند، آدم‌ها مثل خودت توانشان محدود است و مریضی، دوری و مرگ دارند.

چه زیبا گفته‌اند پیامبر اکرم(ص): «مَدَارَةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ: مدارا با مردم نیمی از ایمان و مهربانی با آنان نیمی از خوشی زندگی است.»

مفرطاً مفراطاً
الاً

عربی
الاء

مفرطاً



همه یا هیچ، سیاه یا سفید

لایری الجاهل الا مفرطا او مفرطا

نادان را نمی بینی مگر در افراط یا تفریط . امیرالمؤمنین (ع)

برخی از ما آدم‌ها، تفکر منطقی نداریم و تمرین نکرده‌ایم تا موضوعات را نسبی نگاه کنیم. در قضاوت‌هایمان اغلب از واژه همه یا هیچ استفاده می‌کنیم. یا همه راستگو و درستکار هستند یا همه دزد و کلاهبردار. یا زندگی با همسرمان باید عالی و ایده‌آل باشد یا طلاق بهترین راه است. فرزندان یا مؤدب و بیست است یا بی‌ادب و غیرقابل تحمل.

غافل از این که تمام رنگ‌ها سیاه یا سفید نیستند؛ طیف گسترده‌ای خاکستری در این بین است. زندگی با نمره ۱۲ هم زندگی است؛ می‌شود آن را به مرور به ۱۳ و ۱۴ رساند و باز هم پیش رفت. زیبایی با نمره ۱۶ هم زیبا است. بچه با معدل ۱۴ هم با استعداد است؛ لازم نیست همه نمره‌هایش بیست باشد. اگر کسی به ما پول قرض نداد، همه صفاتش بد نیست، اگر پدر، همسر یا فرزندان بهترین آدم دنیا نبود، بدترینش هم نیست. انسان است، بنده خداست. می‌توانیم با آدم‌ها روابط خوبی داشته باشیم بدون این که فکر کنیم همه باید... هیچ‌کس نباید... .

همه ما، هم خوبی داریم هم اشکال و ایراد. اگر همسرمان بهترین همسر دنیا نیست، اگر نمره زندگی مشترکمان ۲۰ نیست، نباید آن را به صفر و زیر صفر هم برسانیم! اگر فرزندان مؤدب‌ترین و درسخوان‌ترین نیست، بدترین و خنگ‌ترین هم نیست؛ اگر چه با ناسپاسی‌ها و تحقیرها، ممکن است به آنجا هم برسد! کافی است برای تقویت خوبی‌ها اینقدر اهل تشویق و تحسین باشیم تا روز به روز توانمندی‌ها بیشتر و زندگی قشنگ‌تر شود.

سید عالم
رحمۃ اللہ علیہ
وحمید



مشکل را حل کنیم یا خودمان قهر کنیم؟

من لم یحتمل زلل الصدیق مات وحیداً.

هر که با لغزش‌های دوستان کنار نیاید، تنها می‌میرد. امیرالمؤمنین (ع)

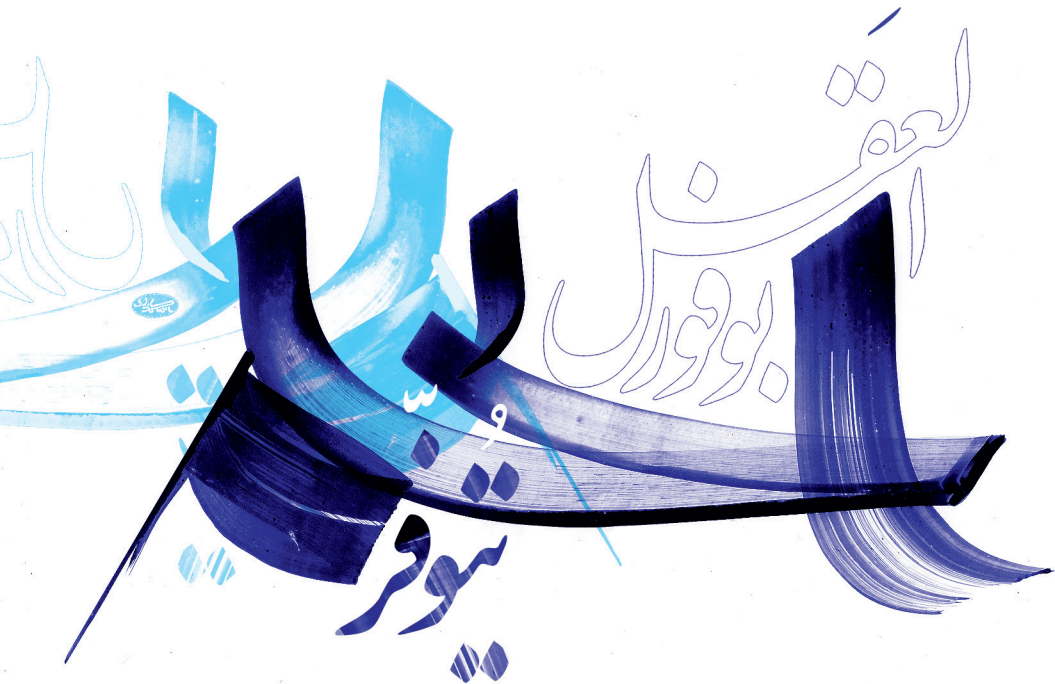
پیشرفت‌های زندگی بستگی دارد به راه‌حلهایی که پیدا کرده‌ایم. مشکلاتی که برطرف کرده یا به گذشت زمان سپرده‌ایم تا کم‌کم با تغییر شرایط و رشد فکری افراد، برطرف شوند. به هر اندازه که با هرکس و ناکسی درگیری نابجا پیدا نکرده و ذهن و اعصاب خود و دیگران را فرسوده نساخته‌ایم، برنده‌ایم!

* خداوند کمکم کن که تغییر دهم آنچه را که می‌توانم و بپذیرم آنچه را نمی‌توانم و بینشی ده تا تشخیص دهم تفاوت این دو را. آنکه می‌خواهد با شلوغ‌کاری و جار و جنجال همین الان تکلیفش را با همه روشن کند، راهی جز حذف خود از قلب‌های دیگران و جریان زندگی ندارد.

رسول اکرم (ص) از جبرئیل سؤال کردند: «تفسیر صبر چیست؟» عرضه داشت: «یعنی انسان در هنگام گرفتاری روحیه‌اش همانند زمان آسایش، قوی و شاداب باشد و در زمان فقر، همانند زمان غنا و در موقع مصیبت همانند زمان عافیت و مصائب و ناراحتی‌های خود را نزد مردم بازگو نکرده و شکایت نکند.»

خداوند متعال پیامبر اکرم (ص) را به رسالت مبعوث نمود و دستور صبر و مدارا و مهر و محبت به او داد آن‌جاکه فرمود: «و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرًا جمیلًا». (۱۰، سوره مبارکه مزمل) در مقابل حرف‌های ناروا و توهین‌های مردم صبر کن و با نیکوئی و اخلاق خوب از آنان فاصله بگیر.

ما امکان تربیت و تغییر همه مردم را نداریم اما می‌توانیم از خودمان انتظار داشته باشیم که در برخورد با افراد و شرایط مختلف درست رفتار کنیم.



عاقلان بردبارند

بوفورالعقل يتوفراالحلم

با فراوانی عقل، بردباری فراوان می‌شود. امیرالمؤمنین (ع)

بعضی‌ها فکر می‌کنند توی این دنیا باید همه چیز سرجایش باشد؛ همه مؤدب و عالی برخورد کنند و از آدم‌های خوب مرتب تقدیر و تشکر شود. در حالی که اگر اهل دنیا، قدر و ارزش سرشان می‌شد، یوسف (ع) را به چاه نمی‌انداختند و ظهور آخرین حجت نازنین خدا این قدر عقب نمی‌افتاد. اگر این را بفهمی، باور می‌کنی که اکثر مردم در احاطه حواس و هوس‌های خود هستند. قرآن مکرر از این سخن می‌گوید: «اکثر الناس لا یعقلون، اکثر الناس لا یعلمون، لایؤمنون، لایشکرون، اکثر شی جدلاً، قالو حسبنا ما وجدنا علیه آبائنا و...»

بیشتر مردم از فکر و عقل خود استفاده نمی‌کنند، به دنبال شناخت و دانایی نیستند، وعده‌های خدا را باور ندارند، اهل قدردانی و استفاده درست از نعمت‌هایشان نیستند، بحث و جدل‌های بیهوده زیاد دارند و رسم و عادت غلط پدران‌شان را تکرار می‌کنند. اما اینکه امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «کسی جز عاقل، در مقابل سفیه بردباری نمی‌کند.» حکمت بزرگی است. باید باور کنیم که همه کلاس تفکر نرفته‌اند، همه شرایط رشددهنده نداشته‌اند، کتاب‌های عالی نخوانده‌اند، استاد و الگوی خوب ندیده‌اند و همه قصد رشد و اصلاح ندارند. کسی که عاقل است ترجیح می‌دهد که به جای مقایسه کردن با بهترین‌ها و توقع داشتن از مردم، مانند پیامبران جزء اقلیتی باشد که از خودشان انتظار دانایی، بردباری، شایستگی و عاقبت به‌خیری دارند. علی (ع) در اوصاف مؤمن می‌فرماید: «او حلم را با علم و علم را با عقل همراه می‌کند.

عن عبد الله
من الأشجار النعم



هدف مشخص

الْحَازِمُ مَنْ لَا يَشْغَلُهُ النَّعْمَةُ عَنِ الْعَمَلِ لِلْعَاقِبَةِ

دور اندیش کسی است که نعمت، او را از عمل برای عاقبت مشغول نسازد . امیرالمؤمنین (ع)

می‌خواهیم به پارک برویم؛ اول از خود بپرسیم برای چه به پارک برویم؟ آن وقت پاسخ می‌دهیم برای این که خوش بگذرد، تفریح کنیم و به آرامش برسیم. اگر هدف را تعیین نکنیم برای اینکه کجا بنشینیم، چه بخوریم و تا کی بمانیم، با هم دعوا می‌کنیم و بعد از چند ساعت، خسته و ناراحت برمی‌گردیم.

می‌خواهیم ازدواج کنیم. برای چه؟ برای اینکه به رشد و کمال و خوشبختی بالاتری برسیم. برای اینکه تغییرات مثبت پیدا کنیم. برای این که به بهانه بودن دیگری، تمام استعدادهای خوب خود را ابراز کنیم. پس ازدواج شروعی جدی‌تر در تغییرات مثبت و بهانه‌ای برای ابراز توانمندی‌های زیباست. اگر هدف اصلی را گم کنیم، آن وقت مرتب بهانه می‌گیریم، عصبانی می‌شویم، غصه می‌خوریم، درگیری ایجاد می‌کنیم، و همدیگر را به جای تکریم و تحسین، (که عامل خوشبختی و تلاش است) تحقیر و دل‌زده می‌کنیم. وقتی مهمان دعوت می‌کنیم یا به دیدن آشنایان می‌رویم چه هدفی داریم؟... پس نباید با گله از گذشته‌ها یا عیب‌جویی کردن و ایراد گرفتن از اشکالات و کاستی‌ها، روابط را تیره کنیم.

برای چه نماز می‌خوانیم؟ برای که نماز می‌خوانیم؟ اگر برای این است که خودمان بشنویم و بفهمیم که چه هستیم و چه باید بشویم، آن وقت نمازمان ما را اهل ادب و اخلاق بندگان می‌کند. توجه به هدف، می‌تواند فکر و ذکر روز و شبمان باشد.

غزلستان علی قلی



درمان درد حسادت

الحسود غضبان علی القدر.

حسود، خشمناك است بر تقدیر حقّ تعالی . امیرالمؤمنین(ع)

حسادت یکی از انواع پیشرفته بی‌فکری و کج فهمی است. بعضی خود را در چنگال آن رها کرده و طعمه هر روزه‌اش شده‌اند و او روز و شب از گوشت تنش‌شان می‌خورد و رحمی هم نمی‌کند.

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «ستمگری چون حسود ندیدم که به ستم‌دیده شبیه‌تر باشد.»

برخی به جای برخاستن و حرکت کردن و کسب هنر و فضیلت، وقتشان را صرف حرص و غصه خوردن برای پیشرفت‌های دیگران کرده و با عیب‌جویی و ناله و نفرین، آرزو می‌کنند همه از تلاش بایستند تا بیکاری و بی‌ثمری آن‌ها معلوم نشود. اگر گمان می‌کنید از این خصلت سوزاننده ایمن هستید کافی است در موقعیت‌های امتحان قرار بگیرید و آن وقت نمره خود را ارزیابی کنید. مثلاً دوست هم‌ردیفان یک‌مرتبه به ارتقاء شغلی یا معیشتی برسد، بدون این که قابلیت‌های بیشتری داشته باشد. یا کسی که دوستش دارید، برای دیگران دلسوزی و توجه کند. یا در جمع دوستان و فامیل، به کسی بیش از شما عنایت و محبت شود. آن وقت معلوم می‌شود که از این گذرگاه‌ها چگونه عبور می‌کنید.

اگر روح وسعت پیدا کند، اگر انسان با ایمان به خدا و اعمال خوب احساس ارزشمندی کند، آن وقت خود را از لطف و فیض مدام خدا بهرمند می‌بیند و هر کم و زیاد دنیا برایش بهانه‌ای می‌شود تا با فهم دمدمی بودن مردم و نیاز مداومش به تکیه‌گاهی محکم، رزق و عیش و عزت و همه چیز را از کمال مطلق بخواهد. هر که خود را بنده ثروتمندترین و بخشنده‌ترین وجود عالم ببیند، آن وقت از شادی و پیشرفت مردم شاد می‌شود و برایشان آرزوی شادی و پیشرفت‌های بیشتر و بهتر می‌کند. قل اعوذ... من شر حاسد اذا حسد.



گاهی برای رسیدن باید نرفت!

من عَرَفَ کَفَّ

هر که دانا باشد، خود را توقف دهد . امیرالمؤمنین (ع)

بسیار پیش می‌آید که نمی‌دانی بهترین راه حل، بهترین تصمیم یا بهترین عملکرد چیست. اما می‌دانی که چه کارهایی را نباید بکنی. اگر این خط قرمزها را مراعات کنی، از بهترین‌ها می‌شوی و خدا هم تو را در ادامه مسیر یاری می‌کند. گاهی می‌خواهی خیلی اهل کار و عبادت باشی لذا تا دیر وقت در این جلسه و آن مسجد می‌مانی و در رسیدگی به خانواده‌ات کم می‌گذاری؛ غافل از اینکه نشستن به نیکویی در کنار همسر، ثواب اعتکاف در مسجدالنبی را دارد. گاهی می‌خواهی خیلی کار و تلاش کنی تا رفاه بیشتری را برای خانم جوانت فراهم کنی لذا شب‌ها دیر وقت و خسته به خانه برمی‌گردی و جنازه بی‌حال و حوصله‌ات را برایش می‌آوری. گاهی به خیال خودت دلسوز فرزندت هستی، اما این قدر او را محدود می‌کنی و به جای او تصمیم می‌گیری و مقابل جمع، به او امر و نهی می‌کنی که باعث افسردگی، احساس حقارت و شکست در او می‌شوی و شأن و شخصیت انسانی از دست رفته‌اش را نمی‌بینی.

اگر می‌خواهی خیلی خوب باشی، لطف کن این قدر بد نباش! نمی‌شود برای اینکه کسی را تغییر دهی، استخوانش را بشکنی. نمی‌شود وقتی از زندگی‌ات راضی نیستی، حریم‌های زندگی خود یا دیگران را پاره کنی. نمی‌شود برای اینکه با همسرت اختلاف نظر داری، بچه‌هایت را در فضای توهین و درگیری بزرگ کنی یا از آنان فرزند طلاق بسازی. لذا حکمت اقتضا می‌کند که با اختیار و انتخاب خود، از بعضی خواسته‌ها برای مصلحت بالاتری بگذریم. گاهی با خوشبختی دادن به دیگری، به خوشبختی می‌رسیم و با محدود کردن خواسته‌های خود در زندگی موقت دنیا، به خوشبختی‌های بهتر و بیشتری برای خود و دیگران دست پیدا می‌کنیم.

لا يحسن
الاحسان
الا العاقل

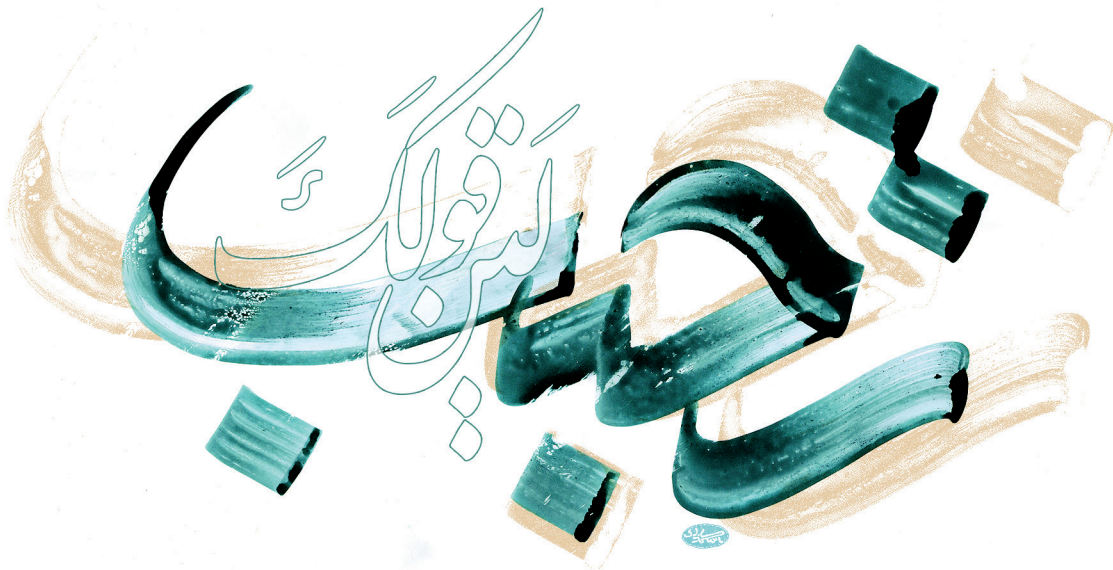
An abstract calligraphic artwork featuring large, expressive brushstrokes in shades of blue and red against a black background. The strokes are dynamic and fluid, creating a sense of movement and depth. The text is written in a stylized, modern calligraphic script. The word 'لا يحسن' (La Yihsan) is at the top right, 'الاحسان' (Al-Ihsan) is in the middle, and 'الا العاقل' (Ala al-Aqal) is at the bottom left. The brushstrokes are thick and textured, with visible bristles and varying intensities of color. The overall composition is balanced and visually striking.

خوش خلق ترین؛ عاقل ترین!

لَا يَحْلُمُ عَنِ السَّفِيهِ إِلَّا الْعَاقِلُ

کسی جز عاقل، در مقابل سفيه بردباری نمی کند . امیرالمومنین(ع)

خوش اخلاقی نشانه سازگاری و فهمیدگی است. آدم خوش اخلاق هم حوصله دارد، هم نشاط درونی و هم توانایی ارتباط خوب با مردم؛ چه در ارتباط با آدم‌های فهمیده و چه آدم‌های کم‌فهم. این درک نیازمند دانایی خاصی است که اولاً فرد به-دنبال برنامه و هدف خودش در زندگی باشد و ثانیاً به خاطر بدقلقی و کج‌فهمی دیگران، اعصاب خودش را درگیر هر موضوع و مسئله‌ای نکند. فکر نکند که همه مشکلات عالم را باید او حل کند و فکر نکند که مردم باید همه درست و عالی بفهمند و عمل کنند. کسی که امور خودش و دیگران را به خدا می‌سپارد و فکر می‌کند تا سهم خودش و وظیفه خودش را در هر ماجرا پیدا کند، عاقل است. انسان‌ها پر از توانمندی و ناتوانی‌اند. اگر از مردم انتظار داشته باشی که همه عاقل و کامل باشند، معلوم است که مکرراً از بی‌فکری‌ها، فراموش‌کاری‌ها و بی‌تجربگی‌هایشان ناراحت و پریشان می‌شوی. هرکس فکر کند که همه مردم باید معصوم باشند و همه چیز دنیا باید سرجایش باشد، چیزی از اعصاب و روحیه برایش باقی نمی‌ماند. این‌که می‌گویند حلم زینت علماست، یعنی هرچه داناتر شدی بیشتر باور می‌کنی که مردم، دارای هوش، امکانات و دریافت‌های فکری متفاوت هستند؛ لذا انتظارات از آنها کم می‌شود. امام صادق(ع) می‌فرمایند: «کامل‌ترین مردم در عقل، بهترین آنها در اخلاق است.» از امیرمؤمنان(ع) پرسیدند: «چه کسی غم و اندوهش از همه بیشتر است؟» فرمود: «کسی که اخلاقش از همه بدتر است!»



خوب حرف بزنیم، حرف‌های خوب بزنیم!

لَيْنُ قَوْلِكَ تَحِبُّ

سخن نرم گوی تا دوستت بدارند . امیرالمؤمنین(ع)

- ارتباط، حیاتی‌ترین نیاز انسان و گفتگو یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباط و تفکر است. اگر یاد بگیریم که خوب حرف بزنیم، پیام‌های بهتری را منتقل می‌کنیم و از سوء تفاهات و اختلال در روابط جلوگیری می‌شود.
- کوتاه و مشخص حرف بزنیم و منظور خود را مرتب تکرار نکنیم.
 - حرف دیگران را قطع نکنیم و درست به صحبت‌هایشان گوش بدهیم.
 - حرف‌های بی‌ربط نزنیم.
 - اول حرف اصلی و موضوع صحبت را بیان کنیم، سپس توضیح دهیم.
 - در سخن گفتن به شرایط مخاطب توجه کنیم و اگر توجه و رغبت دارد، حرف بزنیم.
 - برای گفتن حرف‌های ناراحت‌کننده اصرار نداشته باشیم و با حرف‌هایی که مفید یا روحیه بخش نیست، دیگران را آزار ندهیم.
- «قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ، إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا: ای پیامبر، به بندگان من بگو، که همیشه بهترین سخنان را بر زبان آورند که شیطان میان شما را (با گفتار زشت و تند و فتنه‌انگیز) بر هم نزند و شیطان دشمن آشکار شماست.» (سوره مبارکه اسراء، ۵۳)